

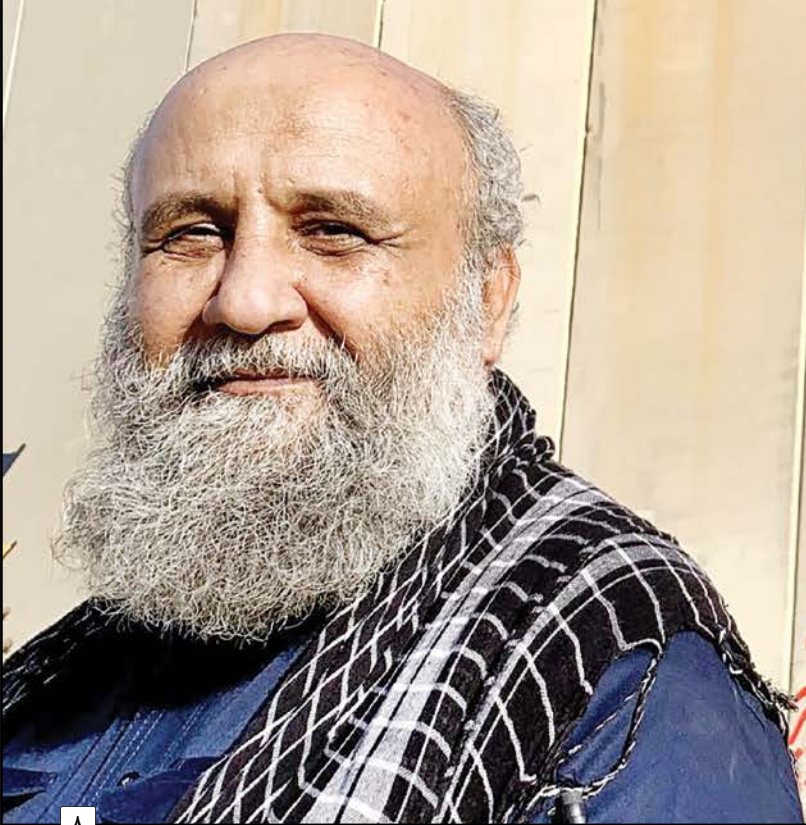


وقتی نسل نو در غزه با عملیات

«طوفان الاقصی» ققنوس وار برمی خیزد

قصیده مقاومت

هنر چگونه بذر آزادی می‌کارد



۸

مسعود نجابتی با اثر «در قدس نماز می‌گذاریم» بردنیار شهرک‌های مونیخ‌نشین نقش تأثیرگذاری در «انتخاب بزرگ» دارد

گفت‌وگو با حسن معینی، نویسنده
و کارگردان نمایش «آوینیون»

یورش به ناشناخته‌ها



سید کاظم موسوی
۱۱

علی قوی‌تن، کارگردان حاضر در جشنواره فیلم
کودک و نوجوان در گفت‌وگو با «جام جم»:

سینمای کودک حامی ندارد



سید کاظم موسوی
۱۰

گزارش تحلیلی «جام جم» از پوشش
رسانه‌ملی در جریان طوفان الاقصی

نبرد غزه در جبهه رسانه



سید کاظم موسوی
۷

🔗 زاویه دید

احمد میراحسان گروه فرهنگ و هنر

نگاهی به تمایز جایگاه قانون در اسلام و دنیای کفر

تقابل روحانیان نخبه و روشنفکران بدون دانش



آن هم واقعا با آگاهی و مشارکت همه مردم؟! با طبقاتی و گروه‌هایی از مردم؟ و باره‌ای از نخبگان. میان عالمان هم همه در این عمل شرکت نمی‌کردند و گروهی حرام می‌دانستند. تازه در گروه قانونگذاران اگر هم نادر افرادی چیزهایی از اسلام می‌دانستند، از مدرنیته شناخت عمیقی نداشتند، برعکس اگر از علم مدرن و جامعه مدرن و فلسفه مدرن چیزهایی می‌دانستند، از معرفت دینی و تفقه دور بودند. البته عالمانی نظیر اخوند خراسانی و علامه نائینی و سید کاظم یزدی و فراتر میرزای شیرازی و شیخ فضل... متفکرانی بودند بزرگ و نخبه که مجال تحکیم گفت‌وگوی انتقادی نیافتند، برای همین اثری درخور، در پراهرین عقلی در قلمرو نقد مدرنیته به جا نگذاشتند و احساس این است که خود آنان فرصت مطالعه ژرف عصر نو و مبنای مادی و معنوی آن را نیافتند که از رسانس تا عصر روشنگری تداوم داشت و هنوز دارد و شناخت آن مستلزم مطالعه تحولات گوناگون و مطالعه آثار گوناگون فلسفی و سیاسی و فرهنگ‌شناسی و... است.

🔗 چشم کاملاً بسته غرب‌گرایان

متأسفانه غرب‌گرایان نامتفکر چشم به همه مشکلات قانون مدرن می‌بندند و در عوض با جهل و سفسطه و عدم پژوهش، قانون اسلام را فرمان اعلام می‌کنند و قانون‌گذاری مدرن را از قانون قرآن و عترت و اصول عملیه عالمان نابغه فراتر می‌نشانند. اما تمایز بزرگ قانون اسلام در منشأ الهی و رهایی از نقض ماهوی افکار بشر ناتمام و ناکامل و در محاصره انواع محدودیت‌ها ذاتی و حجاب‌هاست که بدون تمسک به هدایت اصیل الهی و گوش فرادادن به ندای الهی چه بحران غایی نمی‌آفریند. قانون اسلام ضامنات مسلمان را به تفقه و پاسخ به نیازهای جدید و درک مقضیات مکان/زمان و

بسیاری از تحصیلکردگان علوم سیاسی و حقوق دانش غرب، اغلب حکم طوطی سخنگو را دارند؛ فکر نمی‌کنند و تلقینات اساتیدشان را تکرار می‌کنند. چون اندیشیدن نیاموختند بلکه مصرف‌کردن آموختند و کارشان تبلیغ آموخته‌های شان است، نه گفت‌وگوی عالمانه، مجتهدانه، محققانه و فقیهانه با انصاف و حقیقت‌پرو و بیان واقع‌گرایانه پدیده‌ها حتی اگر مخالف آن باشند.

از جمله تحفه‌های مدرنیته در ورود به وطن ما، موضوع قانون بود. این اندیشه، چون فکر آزادی، علم پرستی، پیشرفت دولت براساس انتخابات و... البته برای جامعه‌ای فلک‌زده، استبدادگرنده، گرسنه، بیمار، گرفتار بی‌عدالتی و بلیشو و فرامین ظالمانه و تعدی بی حد و حصر حکام، موهبتی عیان و ودیعه‌ای آسمانی و رؤیایی بهشتی محسوب می‌گشت. کار روشنفکران آشنا با فرهنگ و تفکر و جهان بینی مدرن، قاعداً آن بوده که فکر کنند و روشن فکر کنند و روشنفکری آگاه‌تر باتوان انتقادی باشند؛ به‌ویژه که ایران سابقه چند هزار ساله تمدنی داشت و فقط شعرش پراز آموزه‌های حکیمانه درباره ارکان تفکر نسبت به انسان و نیازهای او و نیک و بد زندگی اجتماعی بود و می‌توانست تفکمان‌های انتقادی قوی شکل دهد. این عرصه حکمت‌آموز در تعارض با فکر مدرن، د م‌دستی‌ترین بهانه اندیشیدن محسوب می‌شود. در حالی که منبع لایزال تعقل و تفکر و آکاوی خود قرآن و عقل نوری دارای هر عصمت از جرس و معدن روایت علم لایزال معصوم علیهم السلام و منابع تفکر عالمان‌ربانی و حکمت‌متعالیه و... اهل تفکر را به تفکری جدی دعوت می‌کرد و تدبیر در این منابع قدسی رجوع عالمانه به این معارف می‌توانست امکان عالی گفت‌وگوی انتقادی و علمی با محصولات فلسفی و سیاسی و حقوقی و... عصر روشنگری به بعد فراهم کند و به حلاجی مفهوم قانون و حتی نواقص درک از قانون و قانونگذاری غرب و افکار پیشران و تصحیح کننده نوختم گردد.

🔗 روشنفکران بدون علم و روحانیان نخبه

اما روشنفکران نه دانشی درباره میراث بومی داشتند و نه شناختی عمیق از اسلام و تسلیطی درباره ارکان متفکران اسلام و نه حتی اطلاعی از دلایل برتری قانون الهی برای هدایت رشد جامعه بشری نسبت به قانونی که بدون هدایت وحی با عقل متزلزل مدرن وضع می‌شود. آیا قانون بشری که هدایت قرآنی و الهی را بیش رونداشت، قدرت صحتش را از کدام مرجع به دست می‌آورد؟ از مردم؟ به‌وسیله کدام مردم وضع می‌شود؟

مختصات مفاهیم انتزاعی شان) اما دو چیز متضاد نمی‌توانند در آن واحد عقلایی باشند؛ نکته یاریک آن است که همه اینها در اقتصاد، روان‌شناسی انسان‌شناسی و... تکرار می‌شود و بالاخره به نفی عقل در رسامدرنیته پرت می‌گردد.

🔗 توهم غرب‌گرایی ایرانی

با این تفصیل، غرب‌گرایی ایرانی هرکس که می‌خواهد باشد، دچار نوعی وهم است. می‌اندیشد در جهان مدرن قانون یک معنی دارد و هر جهان‌بینی غیرمدرن، خواهد باشد، بویی از قانون نبرده است. از نظر روشنفکر دگم و طوطی‌وش قانون یعنی قانون مدرن. حال چرا قانون مدرن بر قانون اسلام برتری دارد پرسشی برای تفکر نیست. برای همین به اینهمان گویی در می‌غلند. برتر است چون مدرن است. برتر است چون قراردادی همگانی است که به وسیله نمایندگان کل مردم تصویب شده و برتر است چون محصول عقل انسان است. این‌دست اظهارات ارزش منطقی و برهانی ندارند. ادعاهای وهمی هستند. این قرارداد همگانی واقعا به امضای همگان رسیده؟ چیزی مجموع به نام نماینده مردم گیلان آمده‌است؟ این ادعاهای واهی نمی‌تواند معنای حقیقی بازی مدرن را نشان سازد. انتخابات و سیستم دموکراسی استوار است به یک و انموده‌گرینش. در آن، انواع عوامل ضد آگاهی با عمل مؤثر انواع قدرت‌ها، نفوذ قدرت سیاسی و ریخت و پاش قدرت اقتصادی و نقش قدرت و بازی رسانه‌ای و قدرت پول و نقشه مقامات ذی‌نفوذ و... و قدرت دروغ و وعده واهی بر انتخاب مردم تأثیر غالب دارد.

🔗 قانون اسلام و قانون مدرن

انتخابات و قانون انتخابات نظام لیبرال تنها یک نمونه از معنای مترزلز قانون است که در خود فرمان نهایی را پنهان کرده که چیزی نیست جز حفظ منافع طبقه ممتاز جامعه که به آن جامعه همگانی پوشانده و به نام قانون آن را لازم‌الاجرا برای همگان کرده است. این همان سیمای منافع قدرت است که از قانون حفظ اقتدار خود را طلب می‌نماید و هیچ جنبه دفاع از مصالح حقیقی عموم را در بر ندارد. قانون الهی هرگز چنین نیست. فرامین حقیقتاً ناظر به منافع همگان و یکایک افراد است و هرگز به سود اقتدار طبقه و گروه خاصی ظهور نیافته است. فرمان خداوند در قرآن از همین رو که آگاه به اول و آخر و ظاهر و باطن و دارای احاطه به همه هستی ماست و عدل ذاتی دارد. شایسته است به قانون جامعه بشری بدل شود. و این تفاوت بزرگ قانون اسلام با قانون غیراسلام و قانون مدرن و انواع قوانین کفر است. که می‌بینیم تفاوتش با قانون بشری به فاصله از زمین تا آسمان است و چیزی دست‌نیافتنی‌تر و مربوط به کنه وجود دو قانون بشری و الهی. اکنون هویداست که استهزای قانون اسلام به اسم فرمان و حکم و... و برتر شمردن قانون مدرن از سوی مدرن‌ها تا چه حد جاهلانه است.

🔗 یادداشت

سید کاظم موسوی انویسنده و پژوهشگر

نگاهی به ضرورت جریان‌شناسی بنیان‌های آموزشی
به بهانه روز ملی کودک



نفوذ پرخطر و پایدار علیه کودک ایرانی

تفکر غربی در هر جایی از جهان و با هر شکلی وارد جامعه‌ای شده و تسلط پیدا کرده تلاش کرده تا سیاست‌های خود را به آن جامعه دیکته کند. در دوره پرچمداری آمریکایی‌ها برای اندیشه غرب، آنها هم همین رویه را ادامه دادند؛ از ترویج زبان، فرهنگ و سبک زندگی آمریکایی گرفته تا ترویج رؤیای آمریکایی شدن. بهترین ابزار برای این منظور در دست گرفتن سیستم آموزشی، به‌ویژه آموزش کودکان و نوجوانان است. به این ترتیب آن جامعه آمادگی پذیرش استثمار و بهره‌دهی را پیدا می‌کند.

در ایران، بعد از پایان جنگ جهانی دوم به‌خصوص با انجام کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، آمریکایی‌ها برای چنگ انداختن به منابع ثروت و داشته‌های خدادادی ملت ایران چون نفت، معادن و... رؤیای آمریکایی شدن را با آموزش کودکان و نوجوانان این سرزمین به همراه اقدامات و سوسه‌کننده دیگر اقشار جامعه به‌ویژه زنان جامعه ایرانی آغاز کردند.

یکی از کارهایی که آمریکایی‌ها در پیش گرفتند، ایجاد شورای کتاب کودک در سال ۱۳۴۱ش بود. آنها برای ایجاد این شورا از برخی افراد که خود شیفته فرهنگ غرب بوده و در دامن چنین فرهنگی پرورش یافته بودند، کمک گرفتند. به‌دلیل حضور این افراد در سیستم آموزشی کشور، این شورا با توجه به مواجه شدن با تحولات عظیم سیاسی - اجتماعی جامعه ایران در اثر انقلاب اسلامی، از تحولات و تغییر نجات یافته و در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب به حیات خود ادامه داد، تا جایی که توانست با حیات خود در سایر حوزه‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان تأثیرگذار باشد.

از طرفی غرب نیز که تمام سعی خود را معطوف به تضعیف ارزش‌های اسلامی و نه‌ایت‌پرانندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی کرده است؛ برای تحقق اهداف خود همچنان از این گونه جریان‌های فرهنگی وابسته حمایت می‌کند. به‌عنوان نمونه می‌توان به تحلیل رسانه‌ای بی‌بی‌سی در سالگرد تشکیل شورای کتاب کودک اشاره کرد. آنچه که مهم می‌نماید آن است که جامعه بدانند بنیانگذاران این شورا چه کسانی بوده‌اند و چگونه غرب همچنان به دستاوردهای شورای کتاب کودک و چنین نهادهای فرهنگی دل‌خوش کرده است. اگر به اخبار چند ماه قبل نیم‌نگاهی ببیند اریز، خبر پلمب ۱۲ کانون آموزشی بهایی‌ات در یکی از شهرستان‌ها مؤید استمرار همان برنامه غربی با دست نیروهای نیابتی آنها یعنی اعضای سازمان تشکیلاتی بهایی است. انتشار چنین خبری در رسانه‌های کشور ناگهی نداشته و ندارد زیرا پیشتر از این، جریان وابسته به صهیونیست‌ها در شهر شیراز نیز فعالیت‌های تخریبی در حوزه کودکان و نوجوانان داشته‌اند.

و اما شورای کتاب کودک، همان‌طور که پیشتر گفته شد با حضور ۳۷ نفر تأسیس شد که افراد مؤثر تشکیل دهنده آن از اعضای وابسته به سازمان بهایی‌ات با علاقه‌مند به این فرقه بوده‌اند. از جمله می‌توان به لیلی‌آهی، روحی ارباب، فروغ ارباب، هوشمند فتح‌اعظم، مهری‌آهی، احسان یارشاطر، ایرج ایمن همسر لیلی‌آهی، عباسعلی روحانی و... برای تأثیرگذاری بر افکار و اندیشه نسل آتی کشور، به وی پیوستند. اما آنچه که مهم شورای کتاب کودک در دی‌ماه سال ۱۳۴۱ شمسی توسط لیلی‌آهی معروف به لیلی‌ایمن یکی از بهاییان متعصب و چند نفر از همفکرانش شکل گرفت و سپس دیگر بهاییان به‌ویژه احسان یارشاطر، بهرام بیضایی، مهری مجیدی‌آهی و... برای تأثیرگذاری بر افکار و اندیشه نسل آتی کشور، به وی پیوستند. اما آنچه که مهم می‌نماید آن است که اقدامات تشکیلات بهایی در کنار بعضی از رفتارهای این شورا در طول ۴۴ سال که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد همچنان ادامه دارد.

از این‌رو لازم است در مقام مراقبت از حریم تربیتی و اندیشه کودکان ایران، رسانه‌ها به زندگی‌نامه افرادی از اعضای سازمان تشکیلاتی بهایی و اشخاص متأثر از آنها که در پایداری و استمرار در ضدیت با ارزش‌های اسلامی و تزریق سم سکولاریسم در اذهان کودکان و نوجوانان این سرزمین که آینده‌سازان کشور هستند، پرداخته شود. کاری که تاکنون به‌صورت مدون و مستند صورت نگرفته است. به لطف الهی این مطالب طی ماه‌های پیش‌رو در قالب اولین جلد از مجموعه چند جلدی زندگی‌نامه و عملکرد افراد بهایی مؤثری که در دوران پهلوی به‌ویژه در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ در مسندها و پست‌های مختلف حکومتی حضور داشته‌اند، منتشر و در دسترس خوانندگان محترم قرار خواهد گرفت.